

۱۵۲۷۵۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المختار من
تفسير الاسرار

تذكرة الاولياء

آیت اللہ سید احمد فہرہری (رحمۃ اللہ علیہ)

سرشناسه: فهری زنجانی احمد، ۱۳۰۱ - ۱۳۸۵. Fahri, Ahmad

عنوان قرارداد: کشف الاسرار و عده الابرار. شرح تذکره الاولیاء. شرح
عنوان و نام پدیدآور: المختار من کشف الاسرار و تذکره الاولیاء/ سیداحمدفهری رحمه الله علیه.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات غنچه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۶-۲۲-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی: دار البصائر، ۱۳۸۰.

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب «کشف الاسرار و عده الابرار» تألیف احمدبن محمد میبدی و کتاب «تذکره الاولیاء»
عطار شابوری است.

یادداشت: کتاب کشف الاسرار و عده الابرار بر اساس کتاب «تفسیر قرآن» خواجه عبدالله انصاری نوشته شده است.
موضوع: تفاسیر عرفانی — قرن ۶ ق.

موضوع: میبدی، احمدبن محمد، قرن ۶ ق. کشف الاسرار و عده الابرار — نقد و تفسیر

موضوع: عطار، ابن ابراهیم، ۵۲۷ - ۶۲۷ ق. تذکره الاولیاء — نقد و تفسیر

موضوع: Attar Farid al - Din . Tazkarat al - Oliya — Criticism and Interpretation

موضوع: ۱۲th century — Qur'an — Mystical hermeneutic

موضوع: تفاسیر قرآنی — قرن ۶ ق.

موضوع: ۱۲th century — Qur'an — xSufi hermeneutics

موضوع: نثر فارسی — قرن ۶ ق.

موضوع: ۱۲th century — Persian literature

موضوع: عارفان — سرگذشت

موضوع: Mystics — Biography

موضوع: تصوف

موضوع: Sufism

شناسه افزوده: میبدی، احمدبن محمد، قرن ۶ ق. کشف الاسرار و عده الابرار، شرح

شناسه افزوده: عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۲۷ - ۶۲۷ ق. تذکره الاولیاء، شرح

شناسه افزوده: انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶ - ۴۸۱ ق. تفسیر قرآن

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۱۶۷ ۵۰۲ ۸۵۰ ۹/۱۰۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۳۷۴۱۵

● عنوان: المختار من کشف الاسرار و تذکره الاولیاء عطار

● مؤلف: آیت الله سید احمد فهری

● قیمت: ۱۷۵،۰۰۰ ریال

● تایپ و صفحه آرایی: انتشارات غنچه

● نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

● شمارگان: ۱۰۰۰

● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۶-۲۲-۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

آدرس انتشارات: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه شهید الوندی، پلاک ۱۶

تلفن: ۶۶۴۸۴۳۹۱ تلفکس: ۶۶۴۸۰۳۶۳

تہرست

۶..... مقدمہ

المختار من کشف الاسرار

۱۲..... جلد اول

۷۵..... جلد دوم

۹۲..... جلد سوم

۱۰۰..... جلد چهارم

۱۰۴..... جلد پنجم

۱۱۰..... جلد ششم

۱۱۸..... جلد ہفتم

۱۲۴..... جلد ہشتم

۱۳۴..... جلد نہم

۱۴۰..... جلد دہم

المختار من تذکرۃ الاولیاء

۱۵۹..... بشر حافی

۱۶۲..... ذوالنون مصری

۱۶۴..... بایزید بسطامی

۱۷۰..... عبداللہ مبارک

- ۱۱۷.....سفيان ثوري
- ۱۷۲.....شفيع بلخي
- ۱۷۳.....داود طائي
- ۱۷۴.....حات محاسبي
- ۱۷۶.....ابو سليمان داودي، محمد بن سماك
- ۱۷۷.....سهل بن عبد الله التستري
- ۱۷۸.....معروف كوفي
- ۱۷۹.....احمد حواري
- ۱۸۰.....ابو ثواب نخشي
- ۱۸۱.....يوسف بن الحسين، ابو مفص حاد، محمد بن عمار
- ۱۸۲.....احمد بن عاصم الانطاكي
- ۱۸۳.....جنيد بغدادى
- ۱۹۰.....عمرو بن عثمان مكي
- ۱۹۱.....ابو عثمان حيري
- ۱۹۲.....ابو محمد رويم ابن عطا
- ۱۹۳.....يوسف اسباط
- ۱۹۴.....سمون محب
- ۱۹۵.....محمد فضل، محمد بن علي الترمذي

- ۱۹۶..... ابو حمزه خراسانی، احمد مسروق، عبد الله مغربی
- ۱۹۷..... محمد جوزجانی، ابو عبدالله محمد بن الحفیف، ابو محمد جریوی
- ۱۹۸..... حسین منصور حلاج
- ۲۰۲..... مه شاددن ری، ابوبکر شبلی
- ۲۰۴..... ابو العباس، قطب، ابی علی دقاق
- ۲۰۵..... ابو الحسن خراسانی
- ۲۰۶..... ابو حمزه بغدادی، ابو محمد، ابو الحسن الصایغ
- ۲۰۷..... ابوبکر واسطی
- ۲۰۸..... جعفر خلدی، ابواسحاق شهریار، ابوالحسن، ابوبادی
- ۲۱۱..... ابو الفضل حسن

مقدمه

و اترك بفكر نبي من الجوامع كلمات حيدر الكرار على بن ابي طالب عليه صلوات الله عليه ما بقى الليل و النهار، قال (عليه السلام) لكميل بن زياد النخعي: (ترجمه ابن حديث شريف در كتاب آمده است): قال كميل بن زياد: "اخذ مني ما تريد من المؤمنين على بن ابي طالب (عليه السلام) فأخرجني الى الجبان. فلما اصحرت تس الصعداء ثم قال: «يا كميل بن زياد، أن هذه القلوب اوعية فخير ما اوتواها فاحفظ عني ما اقول لك الناس ثلاثة فعالم رباني و متعلم على سبيل نجه و مبيع رعاع اتباع كل وثيق. يا كميل، العلم خير من المال. العلم يحرسك و انك تحرس المال و المال تنقصه النفقة و العلم يزكو على الانفاق و صنيع الدال رول بزواله. يا كميل بن زياد، معرفة العلم دين يدان به، به يكسب الانسان الطاعة في حياته و جميل الاحدوثة بعد وفاته و العلم حاكم و المال محكوم عليه. يا كميل هلك خزان الاموال و هم احياء و العلماء باقون ما بقى الدهر اعيانهم مفقودة و امثالهم في القلوب موجودة ها ان هيهنا لعلماء جمّا (و اشار

الى صدره) لو اصبحت له حملة بلى اصبحت لقناً غير مأمون عليه مستعملاً آلة
 الدين للدنيا و مستظهِراً بنعم الله على عباده و بحججه على اوليائه او منقاداً
 لحماية الحق لا بصيرة في احنائه ينقدح الشك في قلبه لاول عارض من
 شبهة الا لاله و لا ذلك او منهوماً باللذة سلس القياد للشهوة او مغرماً بالجمع و
 الادخار ليسان من رعاة الدين في شيء اقرب شيء شبهاً بهما الانعام السائمة
 كذلك يموت انعم باوت حامليه اللهم بلى لا تخلو الارض من قائم لله بحجة
 اما ظاهراً مشهوراً اما خائفاً غفوراً ثلثا تبطل حجج الله و بيناته و كم ذا؟
 و ايسن اولئك، اولئك ه الله لا قلن عدداً و الاعظمون عند الله قدراً، يحفظ
 الله بهم حججه و بيناته حتى يورسوها بترائهم و يزرعوها في قلوب اشباههم
 هجم بهم العلم على حقيقة البصيرة و بانسروا روح اليقين و استلثوا ما
 استعوره المترفون و انسوا بما استوحش منه الالهة و صحبوا الدنيا بأبدان
 ارواحها معلقة بالمحل الاعلى اولئك خلفاء الله في الارض و الدعاة الى دينه
 آه آه شوقاً الى رؤيتهم انصرب يا كميل اذا شئت». نهج كتمان قصار ١٢٧.
 كميل بن زياد نخعي از ياران و خواص امير المؤمنين (عليه السلام) و صاحب سر
 آن حضرت بود و همان است كه دعای كميل به او نسبت داده شده است.
 در كتاب شريف ارشاد القلوب فرمايد: شبی امير المؤمنين (عليه السلام) از
 مسجد كوفه بيرون شدند و به طرف دولت سراي مبارك تشریف می برد
 و يك چهارم از شب گذشته بود و كميل نیز افتخار حضور داشت. در راهی
 كه می رفتند گذارشان به در خانه ای افتاد كه صاحب خانه مشغول تلاوت

قرآن بود و این آیه را تلاوت میکرد: اَمَّنْ هُوَ قَانَتْ اَنَاءَ اللَّيْلِ... با صدایی غم
انگیز به طوری که دعای او کمیل را جذب کرد ولی چیزی نگفت. امیر
المؤمنین (علیه السلام) متوجه کمیل شد و فرمود: «یا کمیل لا یعجبک طنطنة الرجل
به ن اهل النار»، ظاهر زیبایی این مرد تو را نفریبد که او از دوزخیان است.
کمیل را اینکه امیر المؤمنین (علیه السلام) از دل وی خبر داد و
شهادت داد که صاحب آواز از دوزخیان است با این که او در دل
شب با آن بنی اسرائیل به تلاوت قرآن مشغول است به حیرت افتاد.
زمانی ازین وقت سپری شد تا آن که خوارج نهروان
کردند آنچه کردند امیر المؤمنین (علیه السلام) با آنان به جنگ
برخواست و آنان حافظین کتاب بودند و متعبد به ظواهر آن.
امیر المؤمنین (علیه السلام) روی به کمیل فرمود در حالی که از شمشیر
آن حضرت خون می چکید و سرهای بریده آن کافران و فاجران بر
روی هم انباشته بود، نوک شمشیر را بر سری از سرها نهاد و فرمود:
ای کمیل، اَمَّنْ هُوَ قَانَتْ اَنَاءَ اللَّيْلِ... اشاره به این که این همان است که
آن شب با آن لحن سوزناک قرآن می خواند و تو را فریاد می زد که ده بود.
کمیل که این معجزات را از آن حضرت دید خود را بر
قدم های حضرت انداخت و آن را بوسه زد و استغفار کرد.
و فی توفیع اَبی محمد لاسحاق بن اسمعیل کتب فی اواخره و کل من امنکنک

من موالينا فاقراهم هذا الكتاب و ينسخه من اراد منهم نسخه انشاء الله تعالى ولا
يكتفوا امر هذا عمن شاهده من موالينا الا عن شيطان مخالف لكم فلا تنشرون الدر
من اثار ف الخنازير ولا كرامة لهم فقد روى في الحديث عنهم عليهم السلام
ما كل ما سم قالوا لا كل ما يقال حان وقته ولا كل ما حان وقته حضر اهله.

سید احمد فہری